

معرفی آثار هرمسی

رضا امیری*

چکیده

دیدگاه رایج درباره خاستگاه حکمت این است که این اندیشه در یونان و با متن های یونانی آغاز شده است؛ اما کسانی مانند شیخ اشراق، پیامبران و متن های شرقی به ویژه هرمس و آثار هرمسی را نقطه آغاز حکمت می دانند. متن های هرمسی در طول زمان شکل گرفته اما خاستگاه آن مصر باستان بوده و از آنجا به یونان رفته و سپس بر دنیای اندیشه یهودی و مسیحی تأثیر گذاشته است. مسلمانان که هرمس را همان ادریس پیامبر دانسته اند، از راه نهضت ترجمه با اندیشه و متن های هرمسی آشنا شدند. این متن ها به بیشتر زبان ها نگارش یافته و نسخه هایی از آن به خط هبر و گلیفی کشف شده است. متن های هرمسی را می توان به دو دسته تقسیم کرد، متن هایی با درون مایه علوم غریبه و متن های فلسفی که در دنیای غرب تا اندازه های شناسایی و معرفی شده اند. در دنیای اسلام نیز متن های خطی با گرایش اندیشه هرمسی در موضوع های عرفانی، طبیعیات، فلسفه و علوم سری وجود دارند که هنوز پژوهشی درباره آنها انجام نشده است.

کلیدواژه ها

هرمس، متن های هرمسی، آثار هرمسی در غرب، آثار هرمسی در دنیای اسلام، نسخه های خطی هرمس.

* دانش آموخته حوزه علمیه قم و محقق مرکز پژوهشی دائرة المعارف علوم عقلی اسلامی،

مقدمه

هر چند دیدگاه غالب بر این است که تمدن و فلسفه از یونان و با تالس آغاز شد اما رویکردی به گسترش دیگر، نظر شیخ اشراق است که خاستگاه حکمت را نبوت و هرمس^۱ می‌داند و حتی بسیاری از اندیشمندان غربی نیز با دست‌یابی به نشانه‌ها و کاوش‌های باستانی، در اصالت فلسفه یونان تردید کرده‌اند. برای نمونه کینگزلی می‌گوید: تصویر رایجی که از فلسفه یونان آفریده شده هیچ شباهتی به واقعیت ندارد. آنها با خواسته‌های این زمان تغییر شکل یافته و با استدلال منطقی تفسیر شده‌اند و از پیوند آنها با سنت‌های شرقی کوتاهی شده است.^۲ امروزه گرایش به نوشتن تاریخ فلسفه‌ای که به گفته کرنفورد «گویا تالس ناگهان از آسمان نازل شد و به محض برخورد با زمین ناگهان گفت: همه چیز از آب ساخته شده است»^۳ به پایان رسیده است.

انسان از آغاز وجودش دارای احساس، ادراک و عقل بوده است و این سزاوار بشریت نیست که آغاز تمدن و فرهنگ را از یونان بدانیم. پس بهتر است همراه با هایدگر و گادامر این پرسش مطرح شود که کدام لحظه، چیزی خاطر انسان را به خود سرگردم کرد؟ نخستین انسانی که سر برداشت و از خود پرسشی کرد که بود؟ آدم ابوالبشر؟ یا تالس؟^۴ بسیار پیش از طرح این پرسش در غرب، حکیم الهی، ملاصدرا چنین پاسخ داده است:

اعلم ان الحکمة نشأت اولاً من آدم صفی الله و عن ذریته شیث و هرمس - اعنی ادریس - و عن نوح؛ لان العالم ما خلا قط عن شخص یقوم به علم التوحید و المعاد و ان هرمس الاعظم هو الذی نشرها فی الاقالیم و البلاد.^۵

مهم‌ترین کار برای شناخت درست یک سنت فکری، شناسایی آثار و اسناد آن جریان فکری است؛ هر چند در غرب کوشش‌هایی برای گردآوری آثار هرمسی شده است، اما هنوز در شرق چنین کوششی صورت نگرفته است.

سنت هرمسی در شرق

پس از فروشدن چراغ اندیشه در اسکندریه، اندیشه هرمسی به حران راه یافت. سریانی‌ها نه تنها واسطه داد و ستد کالا میان غرب و شرق بودند، بلکه فرهنگ و دانش یونانی را نیز از اسکندریه و انطاکیه به مشرق زمین و مدرسه‌های رها، نصیبین، جندی شاپور و حران بردند.

اندیشمندان شهر حران که در بین‌النهرین واقع است در قرن دوم تا چهارم هجری با دانشمندان یونان و ایران ارتباط داشتند و از اندیشه‌ها و باورهای آنها آگاه می‌شدند. مردم حران که صابئی نامیده می‌شدند حکمت خود را به هرمس و آغاذا یمون نسبت می‌دادند.^۶ نامورترین دانشمند صابئی، ثابت بن قره، کتابی در تعلیمات هرمسی به زبان سریانی نوشت و خود نیز آن را به عربی برگرداند. از دیدگاه مانویان، هرمس از پیامبران اولی‌العزم است که پیش از مانی آمده‌اند. شخصیت هرمس از پیامبرشناسی مانوی به پیامبرشناسی اسلامی راه یافته و با ادريس یکی دانسته شد. نگرش ویژه شیعیان به پیامبرشناسی موجب شد که آنان بیش و پیش از دیگر مذاهب‌ها به آیین هرمس توجه کنند. پیامبرشناسی شیعی، طبقه‌ای از پیامبران را پیش‌بینی کرده بود که هرمس به آن تعلق داشت. هرمس، پیامبری صاحب شریعت نبود، بلکه جایگاه او در تاریخ قدسی پیامبران، جایگاه نبی است که فرستاده شد تا زندگی نخستین ساکنان شهرها را سامان داده و فنونی را به آنان بیاموزد.^۷ در برابر، اهل سنت آیین هرمس را سازگار با اسلام نمی‌دانند، زیرا این آیین، نیازی به پیامبر صاحب شریعت ندارد؛ پرواز روح به آسمان، آن‌گونه که هرمس به پیروان خود می‌آموخت، می‌تواند آنها را از نزول فرشته‌ای که آورنده وحی برای پیامبر است، بی‌نیاز سازد.^۸

نخستین دانشی که به دنیای اسلام راه یافت، کیمیا و تنجیم بود که به وسیله خالد بن یزید (متوفی ۸۵ق)، صورت گرفت. او به گروهی از فیلسوفان یونانی که در مصر می‌زیستند و با زبان عربی آشنا بودند دستور داد تا کتاب‌های صنعت کیمیا را از یونانی و قبطی به عربی برگردانند و

این نخستین کار ترجمه در اسلام بود.^۹ شخصی که این دانش‌های هرمسی را به فرهنگ عربی برگرداند و به خالد بن یزید انتقال داد، اصطفن‌القدیم یا اصطفن‌الراهب بود.^{۱۰} اصطفن در موصل می‌زیست و از مراجع فکری جابر نیز به شمار می‌رفت. او علم را از شخصی به نام مریانس آموخته بود که خالد او را فراخواند، اما مریانس در راه بیت‌المقدس کشته شد و اصطفن جانشین او گردید. جابر از او درباره سبک اندیشه‌اش پرسید و اصطفن پاسخ داد که همان شیوه هرمس مثلث‌الحکمه است.^{۱۱}

نفوذ و تأثیر اندیشه هرمسی هم در فلسفه و عرفان اسلامی و هم در ادبیات انکارناپذیر است. سلسله اندیشه هرمسی به وسیله آدامز به مریانس و از اصطفن راهب به خالد بن یزید و سپس به جابر بن حیان^{۱۲} می‌رسد. رنگ و نشان هرمسی نه تنها در نوشته‌های مربوط به احکام کیمیایی وی آشکار است،^{۱۳} بلکه این اندیشه در دیدگاه‌های فلسفی او نیز یافت می‌شود. به ویژه دیدگاه او درباره انسان که به شیوه هرمسی و اعتراض به تعریف ارسطو است.^{۱۴} جابر در بحث‌های طب آن‌گاه که از طبایع چهارگانه گفت و گو می‌کند بر اصلی هرمسی که بر تشبیه انسان به عالم صغیر استوار است پای می‌فشارد. «عالم عبارت است از انسان و انسان جزء کوچکی از عالم می‌باشد».^{۱۵} همچنین جابر با نقد شناخت خدا از راه عقل و قیاس، به روش مشاهده باطنی که روش عرفان هرمسی است، پافشاری می‌کند.^{۱۶}

از منابع مهم دیگر که از اندیشه هرمس تأثیر پذیرفته است، رسائل اخوان‌الصفا می‌باشد که در بسیاری جاها کوشش شده تا دیدگاه‌های خود را با باور پیامبران و اولیا هماهنگ کند. برای نمونه، برای اثبات بقای نفس، سخنی از هرمس آورده شده است و او را همان ادریس نبی می‌شمارد و سپس سخنانی از ارسطو، فیثاغورث، حضرت مسیح علیه السلام و حضرت خاتم‌الانبیاء علیه السلام درباره جدایی نفس از بدن بیان می‌شود^{۱۷} که نشانگر نوعی اندیشه است که شاید بتوان آن را اندیشه نبوی نامید.

بی گمان سهروردی از نامدارترین مروجان اندیشه هرمسی است. از نگاه وی، همدلی پیشینیان با واقعیت و درک آنها از حقیقت بیشتر بوده است. وی حکمت عتیق را خمیره ازلی خوانده که در سرشت پاک آدمی نهاده شده و نه تنها به شرق و غرب عالم محدود نمی شود، بلکه مرزهای زمان را نیز در می نوردد. سهروردی، تاریخ فلسفه را همچون کل واحدی می بیند که از آسمان و وحی، آغاز و شرق و غرب عالم را فرامی گیرد و این امانت همواره به حکیمی سپرده خواهد شد. در کتاب *حکمة الاشراف*، هرمس را آغازگر علم و والد الحکماء می نامد.^{۱۸} سپس در کتاب *المشارع و المطارحات*، ادامه اندیشه های هرمسی را در دو شاخه یونانی و ایرانی نام می برد.^{۱۹}

بر خلاف دیدگاه رایج که یونان را خاستگاه فلسفه می پندارند، سهروردی فلسفه را دانشی الهی و تعلیمی قدسی و حکمتی آسمانی می داند که از سوی انسان های پاک و کاملی چون هرمس و دیگر پیامبران به آدمیان هدیه شده است.^{۲۰}

سهروردی، هرمس را پدر حکیمان^{۲۱} و همان هرمس الهرامسه مصری معروف به ادریس می داند و از آنجا که او نخستین کسی است که حکمت، نجوم، طلسمات و بسیاری از شگفتی های دیگر را تدوین نمود به والد حکما نامور شد.^{۲۲} حکمت و دانش او به وسیله شاگردانش به یونان رسید^{۲۳} که از این نحله می توان به اسقلینوس، برتامس، آغاناذیمون، دتیوس، بوذاسف و دیگران اشاره کرد. این حکیمان از حکمت و نبوت بهره تمام داشته اند.^{۲۴} در بیشتر آثار ملاصدرا نیز از هرمس و اندیشه هرمسی نام برده شده است. او در بحث خیال،^{۲۵} طباع تام^{۲۶} و رب النوع^{۲۷} به هرمس استناد کرده است.

در متن های عرفانی نیز از هرمس و اندیشه هرمسی بسیار یاد شده است و بسامد واژه های هرمس و ادریس در این متن ها، نشانه اهمیت بحث است.^{۲۸} هرمتیکا به صورت منبع الهام سری برای نوعی گرایش نهفته در فلسفه اسلامی درآمد. از جمله کسانی که تبارشان به هرمس باز

می گشت، عارفان بودند. از نگاه سهروردی این آموزه، سال‌های بسیاری پشت سر گذاشت تا سرانجام خود را به پیر طریقت وی، یعنی حلاج رساند؛ از این رو شناخت اندیشه و آثار هر مسمی نه تنها ما را با واقعیت‌های خاموش تاریخ اندیشه آشنا می‌کند، بلکه در فهم بهتر متن‌های عرفانی و اشراقی نیز یاری می‌دهد.

نوشته‌های هر مسمی

نوشته‌های هر مسمی از کهن‌ترین و برترین دست‌آوردهای بشر است که در گذر زمان به ما رسیده است. هر چند حجاب تاریخ، حقیقت این نوشته‌ها را در خود پنهان کرده است، اما آنچه برجای مانده، گواهی بر بزرگی آفریننده آن و نیز زیبایی و الهی بودن درون مایه اثر است. آثار هر مسمی یا هرمتیکا^{۲۹} منسوب به هر مسم یا تات است. تات با پیدایش خط هیروگلیفی دست‌کم از سه هزار سال پیش از میلاد نزد مصریان مقدس شمرده می‌شد. خاستگاه نخستین هرمتیکا در هاله اسرار فرورفته است، ولی اسناد برجای مانده نشان می‌دهد، خاستگاه این متن‌ها در فلسفه مصر باستان است. این متن‌ها تنها به زبان هیروگلیفی مصریان نگاشته نشده، بلکه به زبان یونانی، لاتینی و قبطی نیز نگارش یافته است. تمام این مجموعه در میانه قرن دوم و سوم میلادی در شهر اسکندریه مصر گردآوری شد. اسکندریه، سرشار از دانش‌های سری، مکتب‌های فیثاغوری، محفل‌های کلدانی، فلسفه افلاطونی، دین‌های یهودی و مسیحی و زرتشتی، نجوم و کیمیا بود. روزگار طلایی اسکندریه با پیدایش امپراتوری روم مسیحی پایان گرفت. گروهی از مسیحیان با دست‌آوردهای عمیق و شگرف فرهنگی مردم اسکندریه با نگاه سرزنش بر خورد کردند و با عنوان اهل شرک با آنان به رویارویی برخاستند و کتابخانه بزرگ اسکندریه را ویران کردند. پس از چندی تئودوسیوس، امپراتور روم، تمام معبد‌ها و کتابخانه‌ها را بست و یا به آتش کشید.^{۳۰}

اندیشه هرمسی در اروپا با عصر نوزایی دوباره شکوفا شد. دارندگان آثار هرمسی در قرن پانزدهم میلادی به ایالت فلورانس در شمال ایتالیا گریختند و حلقه‌ای فرهنگی را پی ریختند. در سال ۱۴۲۸ میلادی پژوهشگر بیزانسی، گمیستوپلتون،^{۳۱} آثار گمشده افلاطون را ساماندهی کرد. این آثار و دیگر آثار رمزی برای نخستین بار به لاتین برگردانده شد. کوزیمو دو مدیچی،^{۳۲} حاکم انسان دوست فلورانس، محفلی از دوست‌داران مطالعات فلسفه باستان را پدید آورد که بر بزرگانی مانند لئوناردو داوینچی و میکلائو تئاتر تأثیر فراوان گذاشت. به دستور کوزیمو برای کشف آثار گمشده هرمسی کسانی به گوشه و کنار شهرها فرستاده شدند. در سال ۱۴۶۰ میلادی یکی از آنان به آثار گمشده هرمس برخورد و آنها را با خود به فلورانس آورد. کوزیمو به پژوهشگر یونانی خود، مارسیلیو فیچینو^{۳۳} دستور داد تا از ادامه برگردان آثار افلاطون دست کشد و ترجمه این متن‌های مصری را آغاز کند.^{۳۴} در دنیای مدرن کوشش شد تا از نفوذ اندیشه هرمسی کاسته شود، از این رو شخصی به نام آیزاک کازابون در سال ۱۶۱۴ میلادی، نوشته‌ای انتقادی از آثار هرمسی منتشر ساخت که ادعا می‌کرد این متن‌ها فقط مربوط به قرن‌های دوم و سوم میلادی است. پژوهش‌های کازابون به صورت گسترده‌ای پذیرفته شد و کتاب‌های هرمسی به نام جعلیات تا قرن‌ها به فراموشی سپرده شد.^{۳۵} آن هنگام که کازابون سرگرم نوشتن نقد خود بود، اطلاعات بسیار کوتاه و اندکی درباره مصر باستان وجود داشت. آثار هیروگلیفی تا دو قرن پس از مرگ وی ترجمه نشد. اینک بسیاری از پژوهشگران دنیای مدرن بر این باورند که او در انکار آثار هرمسی اشتباه می‌کرد، به ویژه از هنگام کشف متن‌های هرم ساکارا در پایان قرن گذشته.^{۳۶} این سنگ‌نبشته‌های هیروگلیفی بیش از پنج هزار سال پیشینه دارند و با این حال، در بردارنده آموزه‌هایی هستند که درست همانند آن در متن‌های هرمسی وجود دارد. بنابراین آثار هرمسی در بردارنده حکمت روزگار فرعون‌ها است که پژوهشگران اسکندریه در قرن دوم میلادی به بازسازی و تدوین آنها، متناسب با روزگار

خویش پرداختند.^{۳۷} در سال ۱۹۴۵ در نجع حمادی مصر، متن‌های ارزشمندی به دست آمد که نشان از وحی مصری دارند و درون‌مایه آنها با متن‌های هرمسی دیگر هماهنگ است.^{۳۸} این کشفیات تازه با نام «نجع حمادی» شهرت یافت و برای باستان‌شناسان، دین‌شناسان و عرفان‌پژوهان گنج ارزشمندی به شمار می‌رود. از کشفیات نجع حمادی، انجیل توماس است که درون‌مایه آن با انجیل‌های دیگر متفاوت و جنبه عرفانی و گنوسی آن بیشتر است.^{۳۹}

در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توان بر آثاری که در دوره‌های گوناگون تاریخی پدید آمده است نام هر مس نهاد و به او نسبت داد؟ اگر هر مس به زمانه پیش از تاریخ برمی‌گردد، آیا آثاری که به نام او در دوره‌های مسیحیت و اسلامی نگارش یافته، جعلی نخواهد بود؟ در پاسخ باید گفت هر چند آثاری با نام هر مس، تات، خونوع و ادیس به ما رسیده است، اما آثار هرمسی بسیاری نیز بر جا مانده که تاریخ نگارش آنها مربوط به روزگاران بعدی و پس از آن و در واقع مربوط به مکتب هرمسی است. نگارش آثار به نام پیشوای یک مکتب محدود به هر مس نیست و در باره دیگرانی مانند سقراط، فیثاغورث، سهروردی و جابر بن حیان نیز این‌گونه است. گرچه نسبت دادن رساله *یزدان شناخت* به سهروردی با تردید روبه‌رو است، اما از نظر روح و درون‌مایه آن نمی‌توان در نسبت دادن این رساله به مکتب اشراق شک کرد.^{۴۰} در گذشته، اهمیت مکتب بیش از شخص بوده، از این رو آثار منسوب به افراد، هر چند از خود آنها هم نبوده، در واقع مربوط به مکتب فکری و در نگاهی گسترده‌تر، متعلق به خود شخص است.^{۴۱} به سخن دیگر، اعضای یک مکتب فکری هم از نظر معنوی و هم علمی خود را قطره‌ای از این اقیانوس می‌شمارند و حتی با پاکی نیت از نام و نشان خود می‌گذرند تا اثری را به مکتب مطلوب خود نسبت دهند. بنابراین آثار هرمسی از آنجا که دارای روح یگانه‌ای است به هر مس و یا مکتب هرمسی برمی‌گردد.

آثار هرمسی به دو دسته تقسیم می‌شوند: رساله‌های فلسفی^{۴۲} که درباره خدا، عالم و انسان‌اند^{۴۳} و رساله‌های فنی^{۴۴} که مربوط به نجوم، کیمیا و دانش‌های رمزی است.^{۴۵}

آثار هرمسی در غرب

آثار ادبی یونان، برگردانی از آثار مصری است که خود، آموزه‌های تات، یعنی هرمس نخست یا شاگردان و جانشینان او هستند و آن را هرمتیک می‌نامند. هرمتیکای یونانی به دو بخش تقسیم می‌شود: آثار مربوط به علوم غریبه^{۴۶} و آثار فلسفی.

۱. علوم غریبه: فستوژیر، سه گونه از علوم غریبه را از هم جدا کرده است:

الف) آثار مربوط به علم تنجیم، که به قرن دوم یا سوم پیش از میلاد برمی‌گردند؛ ب) آثار مربوط به کیمیا، که به قرن اول یا دوم پیش از میلاد برمی‌گردند؛ ج) آثار مربوط به سحر، که بر کاغذ پایروس نگاشته شده‌اند و به قرن چهارم تا هفتم میلادی برمی‌گردند و از روی منابع قدیمی‌تر نسخه‌برداری شده‌اند.

۲. آثار فلسفی: در حقیقت مجموعه گفت‌وگوهای هرمس با شاگردان و مریدان خود است و از

جهت تاریخی در بردارنده موارد زیر است: قطعات هرمتیکای^{۴۷} ۱ تا ۳۶ که از یونانی، سریانی و لاتین آورده شده‌اند، اسقلیبوس^{۴۸} ۱ تا ۴۱، پاره‌ای نسخه‌های نجع حمادی،^{۴۹} استوییا هرمتیکا^{۵۰} از ۱ تا ۲۹، تعریف‌های هرمس المثلث بالعظمه برای اسقلیبوس^{۵۱} و همچنین موارد زیر:

۱. مجموعه هرمسی^{۵۲} که پویماندرس^{۵۳} و چهارده خطابه از اسقلیبوس را در بر می‌گیرد.

۲. بیست و نه^{۵۴} متن کوتاه از استویوس،^{۵۵} فیلسوف سال‌های پایانی قرن پنجم میلادی.^{۵۶}

۳. بیست و پنج قطعه در نوشته‌های آبابی مسیحی که در مکتب دیگری یافت نمی‌شود.

۴. قطعه‌هایی در نوشته‌های زوزیموس،^{۵۷} فولگنیوس،^{۵۸} ایامبلخیوس^{۵۹} و امپراتور ژولیان.^{۶۰} کامل‌ترین اثری که متن‌های هرمسی را گردآوری و منتشر کرده، مربوط به فستوژیر^{۶۱} است. وی این متن‌ها را در چهار جلد از یونانی به فرانسه برگردانده و به پژوهش در آنها پرداخته و نیز چهار جلد دیگر را به بحث و تفسیر اندیشه هرمسی اختصاص داده است. جلد نخست آن در سال ۱۹۴۴ در باره علم تنجیم و کیمیا، جلد دوم در سال ۱۹۴۹ درباره صانع، جلد سوم در سال ۱۹۵۲ درباره نفس و جلد چهارم در سال ۱۹۵۳ م درباره خدای متعال و عرفان هرمسی منتشر گردید.^{۶۲}

آثار هرمسی در دوره اسلامی

میان آثار هرمسی شرق و غرب، پیوند نزدیکی وجود دارد؛ بسیاری از آثار عربی برگردانی از زبان یونانی و لاتینی نوشته‌های هرمسی است، هم‌چنان که آثاری از زبان عربی نیز به لاتین برگردانده شده است.^{۶۳}

از منابعی که نوشته‌های هرمسی را در دنیای اسلام معرفی کرده، کتاب الفهرست ابن ندیم است. وی پنج کتاب در نجوم، چهار کتاب در نیرنجات، خواص و طلسمات و سیزده کتاب در کیمیا را به هرمس نسبت می‌دهد.^{۶۴} در کتاب تاریخ التراث العربی، هیجده رساله هرمسی در سیمیا و کیمیا نام برده شده است، به ویژه: رساله هرمس فی الاکسیر، تدبیر هرمس الهرامسه، رساله السر، سر الکیمیا، اللوح الزمردی و رساله فی السیمیا^{۶۵} و بیست و سه رساله در فلک و احکام نجوم آمده است، به ویژه: مفتاح اسرار النجوم، مسائل فی احکام علم النجوم، کتاب علل الروحانیات لهرمس،^{۶۶} کتاب الحروف فی المعرفة المریض مرتب علی حروف الابدیه، کتاب فی مقارنات الکواکب فی البروج و کتاب الخصائص الملكیه فی القواعد الفلکیه.^{۶۷} در این کتاب نیز به سه رساله در حکمت هرمسی اشاره شده است و عبارت‌اند از: کتاب معاذلة النفس یا معاتبة النفس یا رساله

معانی یا رساله الحکمة و یا زجر النفس. این کتاب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به زبان‌های لاتینی، آلمانی و انگلیسی نیز برگردانده شده است. افزون بر اینها رساله فی المواعظة اللطيفة و النصائح الشريفة و مقاله فی التوحید، کتاب‌های دیگری هستند که از آنها نام برده شده است.^{۶۸} از ابن مطران نقل شده که هرمس را تصنیف‌های بسیاری بوده که تا زمان وی در میان مردم موجود و مشهور بوده است: «مثل کتاب طول و کتاب عرض و کتاب قضیب الذهب و کتاب مطارح شعاعات کواکب و کتاب تسویه بیوت فلک و غیر آن.»^{۶۹} افزون بر این آثار، نوشته‌های خطی فراوانی در کتابخانه‌های سراسر جهان پراکنده است که می‌توان با گردآوری و مقایسه آنها، زوایای ناشناخته تاریخ اندیشه، به ویژه اندیشه هرمسی را روشن‌تر کرد. در اینجا به معرفی پاره‌ای از آثار خطی هرمسی موجود در کتابخانه‌های ایران می‌پردازیم.

نسخه‌های خطی درباره کیمیا و علوم غریبه

۱. رساله هرمس: این رساله از یونانی به عربی و از عربی به فارسی برگردانده شده است. محل نگه‌داری آن کتابخانه مجلس شورای اسلامی و در صفحه ۳۸-۴۸ مجموعه با شماره ۱۲۶۱۲ به ثبت رسیده است.

آغاز: «الحمد لله... اما بعد بدان اسعد الله که این کتابی است که هرمس حکیم تصنیف کرده است اندر اسرار و صف نیرنجات خواص و منازل و اعمال آن».

انجام: «و هرمس حکیم گوید که این خواص اندر کتاب مخزون یافتم که اعمال بیست و هشت منزل از جمله اسرار نجوم است و از مجربات است و قدما معتبر داشته‌اند».^{۷۰}

۲. رساله هرمس: این رساله به عربی است و در کتابخانه دانشگاه تهران (کتاب‌های اهدایی سید محمد مشکوة) با شماره ثبت ۹۴۱ دفتر ۲ نگه‌داری می‌شود.

آغاز: «بسمله. و هذه رساله الحكيم هرمس المعروف بذات المنابر. قال حكيم هرمس: اعلموا ان الله عزّ وجل حين اراد خلق الطبايع خلق النار و امرها ان تلتهب». انجام: «و انا اشير اليك ان تعلقى هذه الرساله فى عنقك ابدًا ما بقيت و السلام».

۳. رساله هرمس: در همان مجموعه کتاب‌های اهدایی مشکوة به شماره ثبت ۱۰۸۷ دفتر ۴.

آغاز: «الحمد لله رب العالمين... اما بعد گفت هرمس که یافتم من در صحفى که نازل شده بود بر آدم اين حجر را که از برای او بود طبايع هفتگانه مثل طبايع بنى آدم». انجام: «پس رد کن به سوى طبخ تا تمام شود چهل و دو روز»^{۷۱}

۴. رساله فى الكيمياء، لهرمس و بطرش لولده سورس: به عربی است و در کتابخانه شخصی دکتر اصغر مهدوی و در مجموعه ۲۸۰، رساله ۳۹ نگه‌داری می‌شود. نسخه دیگری نیز در مجموعه ۲۶۱، رساله ۸ موجود است.^{۷۲}

۵. رساله الحجر و تدبيره: به فارسی است و در کتابخانه دانشگاه تهران (کتاب‌های اهدایی سید محمد مشکوة) با شماره ثبت ۱۰۸۷ رساله ۵ نگه‌داری می‌شود. آغاز: «این رساله را هرمس از لقمان از استاد خود نقل نموده است و در جاهای دیگر به اسم هرمس نوشته شد».

انجام: «تا اینکه برساند الله تعالى به این نعمت رفيعه. تمام است و کامل است به عون الله سبحانه و تعالى و اوست ارحم الراحمين».^{۷۳}

۶. رساله الشجرة: به فارسی است و در مجموعه اهدایی مشکوة به شماره ثبت ۱۰۸۷ دفتر ۱۶ موجود می باشد.

آغاز: «هذا رساله الشجرة من قول هرمس الحكيم. بسمله و به نستعين و صلى الله على محمد و آله. اما بعد بدانکه صورت شجره که تصویر کرده است او را هرمس».

انجام: «و ظاهر او سفید است مایل به زردی و باطن او احمر پاکیزه».^{۷۴}

۷. رساله الحرز: به عربی و منسوب به آغاذاذیمون است. در همان مجموعه مشکوة و با شماره ثبت ۹۴۱ دفتر ۷ نگه داری می شود.

آغاز: «بسمله رساله آغاذاذیمون الاکبر التي تکلم بها عند موته لتلاميذه و تعرف برساله الحرز».

انجام: «كان الموت اخير لكم من ان تنظروا في كتاب فيلسوف فان فيها العمل مخفي. و الله المهدي للحكمة بمنه و کرمه تمت مقاله آغاذاذیمون».^{۷۵}

۸. رمز الحکما: به فارسی و درباره کیمیاست. در آن از هرمس، بلیناس، طغرایسی، محمد تمیمی (ابن امیل)، جابر، خالد، ذوالنون، جلدکی، مارس، مارقس و افلاطون یاد شده است.

این رساله در مجموعه اهدایی مشکوة و با شماره ثبت ۱۰۸۷ دفتر ۲۹ موجود است.

آغاز: «بسمله، حمد، صلوه. اما بعد بدانکه این رساله رمز الحکما است و بهترین رساله ها رموز حکماست... از آن چیزی که رمز کرده اند... در وصف جوهر واحدی که او ماده اول است».

انجام: «تکلم کردن مردمان را بر غیر این قول هر آینه می دانستند او را طفلان در مکتبها و زنان در خانهها البته».^{۷۶}

۹. **الصحف الادریسیه**: به عربی و درباره کیمیاست. ۴۵ صحیفه دارد و منسوب به ادریس، پیامبر عبرانی است. در مجموعه اهدایی مشکوة و با شماره ثبت ۹۵۵ موجود است.^{۷۷}

۱۰. **عمامت الحکماء**: به فارسی و درباره «حجر» و دارای ده باب است که در آن از فیثاغورث، هرمس، جابر، هرقل و دسیموس یاد شده است. در مجموعه اهدایی مشکوة با شماره ثبت ۱۰۸۷ رساله ۶ موجود است.^{۷۸}

۱۱. **رساله حکیم هرمس**: به فارسی و منسوب به هرمس الهرامسه مصری است. در سال ۱۲۵۶ق در ۲۵ برگ به خط سیدرضا الموتی نوشته شده است. این رساله با شماره ثبت ۱۷۷-۳۶ در کتابخانه آیت الله گلپایگانی نگه‌داری می‌شود.^{۷۹}

۱۲. **کتاب الحرف**: به عربی و منسوب به هرمس حکیم است. در سال ۱۳۱۳ق در ۳۹ برگ به خط حسن گیلانی نوشته شده است و در مجموعه ۴-۱۱۷۵۵ صفحه‌های ۸۸-۱۲۶ کتابخانه بزرگ آیت الله مرعشی موجود است.^{۸۰}

۱۳. **الکیمیا، کتاب هرمس الاکبر**: به عربی و منسوب به هرمس است. در تاریخ ۱۱۰۴ق نوشته شده و در کتابخانه دائرةالمعارف بزرگ اسلامی با شماره ثبت ۶۶۸۴۵ موجود است.

آغاز: «بسمله... کتاب هرمس الاکبر و هو هرمس الهرامسه. و هو کتاب الذی فیہ صور البرانی^{۸۱} و الحجاره و الطیر و دواب الماء من الحیات و غیرها و العقارب...».

انجام: «... و لبق مبعده. تمت العزیمه السبعه بحمد الله و حسن توفیقه...».^{۸۲}

۱۴. کتاب هرمس: به عربی است و در کتابخانه مجلس شورای اسلامی با شماره ثبت ۶۲۶۸۵ رساله ۷ موجود است و در سال ۱۲۳۲ نوشته شده.

آغاز: «الحمد لله رب العالمین... و بعد فهذا كتاب هرمس وهو ادریس عليه السلام فی الحکم عند طلوع الشعری و مالها من الحوادث التي...»
انجام: «و هذا آخر احكام طلوع الشعری. و الله اعلم بغيبه و احکم».^{۸۳}

۱۵. کتاب هرمس: به عربی است و به پیش از سال ۱۱۵۲ ق برمی گردد. عکس آن در کتابخانه مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی با شماره ثبت ۲۵۲۱۴۲ و یاد در مجموعه ۱۹۱۷ موجود است.

آغاز: «حمد له. صلاه. كتاب هرمس الاكبر و هو هرمس الهرامسه و هو كتاب الذي فيه صور البرانی و الحجارة و الطير و دواب الماء من الحيات و غيرها من الحيات و العقارب و حشائش الارض».^{۸۴}

۱۶. کیمیا: رساله ای به عربی که از کیمیاگرانی چون خالد، صاحب المکتسب، جلدکی و هرمس نقل شده است و در کتابخانه ملی به شماره ۱-۳۸۸۷ ع نگه داری می شود.

آغاز: «بسم له. حمد له. اما بعد كان هذا الكتاب مكتوبا بالخط الكوفي و خط جابر الحیان... و كتبها لولدی و صانعی السيد احمد... الباب الاول، اعلم ان الكيمياء صناعه تعمل الذهب و الفضة».
انجام: «فتكون ممن قال الله فيهم يريدون ليطفوا نور الله... تم الكتاب بعون الله و حسن توفيقه».^{۸۵}

۱۷. مصحف القمر: به فارسی و دارای ۱۹۹ صفحه است؛ در گروه کتاب های علم حروف با شماره ۵۷ و شماره عمومی ۵۷۸۰ در کتابخانه آستان قدس نگه داری می شود. این رساله در آغاز به ویژگی های افلاک و حرکت ستارگان و سپس به صورت کامل به ویژگی ها و رمز و راز حروف می پردازد.^{۸۶}

آغاز: «الحمد لله الذي اظهر للانسان من العدم علمه مالا يعلم و حلف بالنون و القلم صلواته على نبيه الاجل الاعظم... اما بعد اين رساله‌ای است در خواص مصحف قمر. بدان ای عزیز که حکمای بابل و هندوستان و مغربیان منازل قمر را اعتباری تمام کرده‌اند و گویند از مصنغات هرمس است که او را ادریس نبی عليه السلام خوانند».

نسخه‌های خطی درباره فلک و نجوم

۱. مخزون: به فارسی و منسوب به هرمس حکیم است و در سال ۱۱۳۴ق در ۶۵ برگ نوشته شده است؛ در کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی با شماره ۳۳-۱۰۶ موجود است.^{۸۷}
۲. نمودار هرمس: به عربی و در قرن ۱۳ق نوشته شده است؛ در مجموعه ۴، ۴۴۸، رساله ۴ کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگه‌داری می‌شود.
آغاز: «نمودار هرمس و هوادریس عليه السلام و قد اجمع العلمانه...».
انجام: «و سایر الکواکب جدل هذا النقطه و الی هذا التاريخ ينسب الیه سایر التواريخ التي بعده، لان الناس انقروا فی الطوفان فجعل من جاء بعدهم تاریخهم من الطوفان الی زمان کل ملک الیه. انتهى والله اعلم».^{۸۸}
۳. رساله در خواص منازل قمر: رساله فارسی فشرده‌ای است در بیان ویژگی‌های منازل قمر با بهره‌گیری از دیدگاه‌های حکیمان یونان، بابل، هند به ویژه هرمس حکیم. این نسخه در قرن ۱۳ق به خط احمد تنکابنی نوشته شده است و در کتابخانه ملی ایران با شماره ثبت ۱۵۸۲۷/۵ نگه‌داری می‌شود.

آغاز: «بسمله. الحمد لله... اما بعد این رساله مختصری است در خواص منازل قمر بدان ای عزیز که حکما یونان و بابل...».

انجام: «و گریختن کسی که هرگز در جای خود نیاید روز عطار د کند به ساعت زحل».^{۸۹}

۴. **الاساس:** به عربی و دارای هشتاد و پنج باب کوتاه در شناخت ستارگان و احکام و استخراجات نجومی است که به *الكتاب الكبير والخمسة و الثمانون باباً* نیز نامیده شده است؛ در سال ۸۳۶ق به خط نظام بن عبدالله بن محمد نوشته شده است. این رساله در کتابخانه آیت الله مرعشی در مجموعه ۸۴۷۷ نگه‌داری می‌شود.

آغاز: «الحمد لله بحمده... هذا كتاب الاساس وهو الذي يسمي في كتب النجوم الخمسة و الثمانون باباً و هو كتاب هرمس المفضل بالنعمة».

انجام: «فانظر فيه و في سهمه كما نظرت في باب الرجاء و الله اعلم بحقيقة الحال».^{۹۰} و نیز رساله دیگری با مشخصات بالا به نام *مقارنة الكواكب في البروج* (که گویا از کتابی جدا شده و منسوب به هرمس) بیان شده است.^{۹۱}

۵. **الفصول:** به عربی و منسوب به هرمس است. در هشت مقاله سامان یافته و در سال ۱۰۸۴ق نوشته شده است. در کتابخانه مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی با شماره ثبت ۶۶۸۰۹ موجود است.^{۹۲}

۶. رساله **هرمس الدندری المعروف بالفلكية الكبرى:** به عربی و دارای شش صفحه است؛ در مجموعه ۹۶ صفحه‌ای با شماره عمومی ۱۰۸۸۶ و شماره خصوصی ۷ در کتابخانه آستان قدس نگه‌داری می‌شود.

نسخه‌های خطی درباره حکمت، عرفان و اخلاق

۱. **ینبوع الحیة:** برگردانی فارسی از سیزده فصل سخنان هرمس الهرامسه است و در

میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با شماره ۶۵-۶۲ آنگه داری می‌شود. این

مجموعه متعلق به قرن ۸ و ۹ قمری است.^{۹۳}

نسخه دیگری با همین عنوان با برگردان فارسی افضل‌الدین کاشانی در مجموعه اهداء شده

کتابخانه شخصی اصغر مهدوی به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با شماره ۱۷-۲۵۹ موجود است.

این نسخه در سال ۱۰۷۳ ق نوشته شده است.^{۹۴}

نسخه دیگری از آن در کتابخانه ملی ملک وابسته به آستان قدس در مجموعه ۱-۵۴۷ از

صفحات ۴-۸۶ موجود است و در سال ۱۰۴۸ ق نوشته شده و چنین آغاز می‌شود: «بسمله

الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله، این ترجمه‌ای است از سخنان هرمس

الهرامس که ادریس‌النبی علیه‌السلام در نصیحت و زجر نفس خود گفته است در ۱۳ فصل و نام آن

ینبوع الحیة نهاد».^{۹۵}

۲. **ینبوع الحکمة:** زجر النفس^{۹۶} در اصل یونانی بوده که به عربی درآمده است و عکس آن در

کتابخانه مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی با شماره ثبت ۲۵۲۰۱۷ نگه‌داری می‌شود.

آغاز: «الحمد لله ولی کل نعمه و کاشف الغمه. هذا ما وجد فی زجر النفس لهرمس النبى اعنى

ادريس المثلث بالفضائل... الفصل الاول. یا نفس تصویری و تمثلی ما انا مورده من المعانی العقیله

الموجوده و جودا دائما، فما تصورت».

انجام: «من کثره العلم به. و الله اعلم. تمت الفصول فی زجر النفس لهرمس الهرامسه و هو ادریس

النبی و قد یسمى الفصول ینبوع الحکمة فی اواخر شهر ذیقعد الحرام ۱۳۱۷ ق».^{۹۷}

۳. رساله السر: نامه‌ای است به عربی، آمیخته از کیمیا، طبیعیات، عرفان و گزارش پاسخ‌ها و دستورهایی که اوریوس، پروردگار آسمان به هرمس داده و نیز دربردارنده اعمالی است که او به گفته اوریوس در پرستشگاه انجام داده است. این نسخه در مجموعه اهدایی آقای مشکوة به دانشگاه تهران با شماره ۱۱-۹۴۱ موجود است.

آغاز: «بسمله. رب تمم و یسر بکرمک قال هرمس فی رساله السر: بسم الله قبل کل شی اقول انه من دامت خدمته للنور الاعلی جرت الاشیاء بمحبته و انی اخبرکم یا بنی الحکمه انی اخذت الشمس الحاره الیابسه فقدفتها فی القمر البارد الرطب».

انجام: «وصرت راس الحکماء و معلم الحکمه و معدن الاسرار الالهیه... و النعیم الباقی و السلام علی من طهرت سجیته... و عمل الحق فی شریعته و قدم الخیر لمعاده و الحمد لله علی احسانه هو نعم الوکیل. و رزقنا الله مهم ما فیها و العمل بها».^{۹۸}

۴. رساله السر: به عربی و منسوب به هرمس بودشیردی قسطاس بن ارنیس است؛ این رساله در مجموعه ۵۴۹۹، رساله ۷، از دفتر ۶۲۴۰۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. نویسنده مجموعه، علی محمد اصفهانی در قرن سیزدهم است. رساله هشتم این مجموعه به نام «الصنعة الروحانية والحكمة الربانية» منسوب به هرمس دندری موجود می‌باشد.^{۹۹}

۵. رساله السر: یا رساله هرمس الی امثوثائیه به عربی است. این رساله را در گور زنی یافته‌اند و در کتابخانه ملی با شماره ۸۰۵-۵ نگه داری می‌شود.

آغاز: «بسمله حمدله... فهذه رساله هرمس بودشیروی قسطاس بن ارنیس المعروف برساله امتو ثائیه ابنه اشنوس ام هون الکاهن و هذه الرساله اصیبت فی الاخمیم الداخله تحت لوح مرمر فی قبر امرئه میتة».

انجام: «...بقدر منزلتک من الحکمه و علی حفظ نفسه و صفی سریره و هذب اخلاقه و هو جسی فیک و السلام».^{۱۰۰}

۶. وصایای هرمس الهرامسه: به فارسی است و در قرن یازدهم قمری به خط محمد قاسم کرمانی نوشته شده است. در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در مجموعه ۵-۶۷۳۳۶ نگه‌داری می‌شود. آغاز: «گفت هر که پرهیزد از بدی‌ها، هرگز او را نصیب نگردد». انجام: «توکل زیاده می‌سازد جمیع نیکویی‌های آدمی را».

نتیجه

آنگونه که اندیشمندان غرب ادعا می‌کنند نمی‌توان غرب را خاستگاه دانش و تمدن دانست. نوشته‌های هرمسی که مربوط به شرق و مصر است از جمله شواهدی است که نشان می‌دهد پیشینه اندیشه و تمدن به سال‌ها پیش از یونان باستان برمی‌گردد. آثار هرمسی بر بسیاری از ملت‌ها، دین‌ها و گرایش‌های فکری تأثیرگذار بوده است و از منابع تمدن اسلامی به ویژه در حکمت اشراق و عرفان نیز به شمار می‌رود. با گردآوری و پژوهش در متن‌های هرمسی سراسر دنیا می‌توان به اندیشه‌ای متفاوت با فلسفه غرب دست یافت، اندیشه‌ای که می‌تواند معنوی و هماهنگ با دین باشد و از سوئی در نزدیکی اندیشه و تمدن‌ها نقش آفرینی کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای آگاهی از هویت هرمس و رابطه او با حضرت ادریس ر.ک: رضا امیری، «هویت هرمس، مؤسسس جاودان خرد»، نشریه جاویدان خرد، ش چهارم، ۱۳۸۸.
۲. پیتر کینگزلی، *زویای تاریخ حکمت*، ص ۶۱.
۳. گاتری، *تاریخ فلسفه یونان*، ج ۱، ص ۹۳.
۴. هانس گئورک گادامر، *آغاز فلسفه*، ص ۸.
۵. ملاصدرا، *رساله فی الحدوث*، ص ۱۵۳.
۶. حنا فاخوری، *تاریخ فلسفه در جهان اسلامی*، ج ۲، ص ۳۲۷.
۷. هانری کرین، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ص ۱۷۷.
۸. همان، ص ۱۷۸.
۹. ابن خلکان، *وفیات الاعیان*، ج ۲، ص ۲۲۴؛ محمدبن ندیم، *الفهرست*، ص ۳۰۳.
۱۰. محمدبن ندیم، *الفهرست*، ص ۳۰۴.
۱۱. جابر بن حیان، *مختار رسائل جابرین حیان*، ص ۵۳۰.
۱۲. اندیشه هرمسی به وسیله جابر به زکریای رازی و حکیمان بعدی انتقال یافت.
۱۳. جابر در رسائل خود از فردی به نام آپولونیوس یاد می‌کند که در تألیف کیمیای هرمسی مشهور است.
۱۴. همان، ص ۱۱۳.
۱۵. همان، ص ۵۰.
۱۶. همان، ص ۵۴۲.
۱۷. اخوان الصفا، *رسائل اخوان الصفا و خلان الوفا*، ج ۱، ص ۱۳۸.
۱۸. شهاب‌الدین یحیی سهروردی، *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*، ج ۲، ص ۱۰.
۱۹. همان، ج ۱، ص ۵۰۲.

۲۰. در غرب نیز یاسپرس همانند این نظر را ارائه کرده است. ر.ک: کارل یاسپرس، *افلاطون*، ترجمه محمدحسن

لطفی، ص ۱۸۷ و همو، *فیلسوفان بزرگ*، ترجمه اسدالله مبشری، ص ۵۳.

۲۱. شهاب‌الدین یحیی سهروردی، *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*، ج ۲، ص ۱۰.

۲۲. نیز ر.ک: قطب‌الدین شیرازی، *شرح حکمة الاشراق سهروردی*، ص ۱۵.

۲۳. شمس‌الدین محمد شهرزوری، *شرح حکمة الاشراق*، ص ۲۱.

۲۴. محمدشریف هروی، *انواریه*، ص ۷.

۲۵. ملاصدرا، *الحاشیه علی الهیات الشفاء*، ص ۱۲۳.

۲۶. همو، *الشواهد الربوبیه*، ص ۲۵۹ و ۲۶۸.

۲۷. ملاصدرا، *الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، ج ۵، ص ۱۶۳.

۲۸. برای نمونه ر.ک: محمد داوود قیصری رومی، *شرح نصوص الحکم*، ص ۴۸۹؛ محمد فناری، *مصباح الانس*،

ص ۴۲۵؛ صائت‌الدین ترکه، *تمهید القواعد*، ص ۱۳۰.

29. The Hermetica .

۳۰. تیموتی فرک، *هرمیتیکا*، حکمت مفقوده فرعونیان، ص ۲۶.

31. Gemiston plethon .

32. Cosimo de medici.

33. Marsilio Ficino.

۳۴. همان، ص ۳۰.

35. Frances Yates, Hermeticism, Vol.3, P.490.

۳۶. متن‌های هرمسی / pyramid Texts مربوط به ۲۳۵۰ سال پیش از میلاد و از نخستین نوشته‌های مذهبی

مدون در جهان‌اند. در این باره و نیز درباره هرم ساکارا ر.ک به: جرج هارت، *اسطوره‌های مصری*، ترجمه عباس مخبر،

ص ۷۸ و ۵.

۳۷. تیموتی فرک، *هرمیتیکا*، حکمت مفقوده فرعونیان، ص ۳۷.

۳۸. برای آگاهی از متن‌های نجع حمادی ر.ک:

Jean-plerre Mahe, Hermes Trismegistos , Vol.5, P290.

۳۹. برای آگاهی از انجیل توماس و مباحث آن ر.ک: منصور معتمدی، «انجیل توماس به روایت کشفیات نجع

حمادی»، نشریه هفت آسمان، ش ۳ و ۴، سال ۱۳۷۸.

۴۰. سیدحسین نصر، جاودان خرد، ج ۱، ص ۴۰۸.

۴۱. همان، ص ۴۰۹.

42. Philosophical Hermetica .

43. Van Den Broek , Hermes Trismegistus, P.489.

44. Technical Hermetica .

۴۵. برای آگاهی از مجموعه های هرمتسی منتشر شده در غرب ر.ک:

Jean-plerre Maha, Hermes Trismegistos, Vol.5, P.288; John procope, Vol.4, P.395; Van Den Broek, Hermes Trismegistus , P.488.

46. occult sciences .

47. Fragmenta Hermetica .

48. Asclepius.

49. Nah Hammadi .

50. Stobaei .

51. Jean -plerre Mahe, Hermes Trismegistos, Vol.5.

52. Hermetic corpus .

53. Poimandres .

۵۴. در منابع دیگر بیست و هفت رساله آمده است؛ برای نمونه ر.ک:

Hermetic Writings in: Encyclopedia of World Religions; Hermes Trismegistos in: Encyclopedia Britannica, Vol.11.

55. Stobaeus .

56. Jo hnProcope ,Hermetism , Vol.4, P.395.

57. Zosimus .

58. Fulgontius .

59. Iambichus .

۶۰. سیدحسین نصر، جاودان خرد، ج ۱، ص ۱۴۹.

61. Nock Festugiere.

۶۲. عنوان فرانسوی آثار فستوژیر عبارت است از:

Larevelation d Hermes Trismegiste.

۶۳. برای آگاهی از رابطه آثار هرمسی شرق و غرب ر.ک: فؤاد سزگین، *تاریخ التراث العربی*، ج ۴، ص ۳۴ و ۵۲.
۶۴. ر.ک: محمد بن ندیم، *الفهرست*، ص ۳۲۷، ۳۷۷ و ۴۱۸.
۶۵. فؤاد سزگین، *تاریخ التراث العربی*، ج ۴، ص ۴۳.
۶۶. این رساله به وسیله حنین بن اسحاق ترجمه شده و او گفته است: «ارسطو این رساله را برای اسکندر خلاصه کرده است.» (همان، ص ۵۲)
۶۷. همان، ص ۵۰.
۶۸. همان، ص ۵۶.
۶۹. قطب الدین اشکوری، *محبوب القلوب*، ص ۹۸.
۷۰. علی صدراپی خویی، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه*، ج ۳۶، ص ۱۶۸.
۷۱. محمد تقی دانش‌پژوه، *فهرست کتابخانه اهدایی آقای سعید مشکوة*، ج ۳، ق ۲، ص ۹۸۳.
۷۲. همو، *نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران درباره نسخه‌های خطی*، ج ۲، ص ۹۹ و ۱۰۴.
۷۳. همو، *فهرست کتابخانه اهدایی آقای سعید مشکوة*، ج ۳، ق ۲، ص ۱۰۰۳.
۷۴. همان، ص ۹۹۱.
۷۵. همان، ص ۹۷۳.
۷۶. همان، ص ۹۸۹.
۷۷. همان، ص ۹۹۲.
۷۸. همان، ص ۱۰۰۴.
۷۹. ابوالفضل عرب‌زاده، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله العظمی گلپایگانی*، ج ۱، ص ۳۴۷.
۸۰. محمود مرعشی نجفی، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی*، ج ۲۹، ص ۵۴۵.

۸۱. جابر بن حیان، برانی و جوانی رادو قسم از علم تدابیر دانسته و در تعریف برانی گفته است: «هو العلم بالتجارب التي تجرى على الشئ في ظاهره» و اما جوانی عبارت است از: «العلم بالشئ الذي تجرى التجارب عليه من داخل، ليتحول من حاله الى حاله». (زکی نجیب محمود، جابر بن حیان، ص ۱۰۱)
۸۲. احمد منزوی، فهرست نسخه‌های خطی مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۲۰۸.
۸۳. همو، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۱۲، ص ۱۳۰.
۸۴. همو، فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۳۱۶ و ۴۳۸.
۸۵. سایت کتابخانه ملی ایران.
۸۶. در برگ سوم پشت این رساله آمده است که در آغاز به زبان پیشینیان بوده، سپس به ترتیب به یونانی و عربی و در سال ۷۷۴ به فارسی ترجمه شده است.
۸۷. ابوالفضل عرب زاده، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله العظمی گلپایگانی، ج ۱، ص ۶۴۶.
۸۸. احمد منزوی، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۱۲، ص ۱۳۰.
۸۹. سایت کتابخانه ملی ایران.
۹۰. سید احمد حسینی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۲۲، ص ۶۴. نسخه‌ای دیگر از این نگارش که در سال ۱۲۸۱ به خط سرخه‌ای سمنانی نوشته شده نیز موجود است.
- (محمد تقی دانش پژوه، فهرست کتابخانه اهدایی آقای سعید مشکوة، ج ۳، ق ۲، ص ۹۶۲)
۹۱. همان، ص ۶۵.
۹۲. احمد منزوی، فهرست نسخه‌های خطی مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۱۸۸.
۹۳. محمد تقی دانش پژوه، فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ص ۴۸۳.
۹۴. همو، نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران درباره نسخه‌های خطی، ج ۲، ص ۹۹.
۹۵. همو، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک، ج ۵، ص ۶۶.

۹۶. جز عنوان هایی که سزگین از این رساله نام برده، از آن با نام *ینبوع الحیة و رساله نفس* نیز یاد شده است. افضل الدین کاشانی این رساله را به نام *ینبوع الحیة* به فارسی برگردانده و در کتاب *مصنفات افضل الدین محمد مرقی کاشانی* به تصحیح مجتبی مینوی و یحیی مهدوی منتشر شده است. عبدالرحمن بدوی نیز این رساله را با نام *معادلة النفس لهرمس او لافلاطون* در کتاب *افلاطونیه المحدثه عند العرب* چاپ کرده است.
۹۷. احمد منزوی، *فهرست نسخه های عکسی کتابخانه مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱، ص ۴۱۰.
۹۸. محمدتقی دانش پژوه، *فهرست کتابخانه اهدایی آقای سعید مشکوة*، ج ۳، ق ۲، ص ۹۸۱.
۹۹. احمد منزوی، *فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی*، ج ۱۶، ص ۳۹۶.
۱۰۰. محمدتقی دانش پژوه، *فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی ملک*، ج ۵، ص ۱۸۵.



منابع

۱. ابن خلکان، *وفیات الاعیان و ابناء الزمان*، ج ۲، بیروت، دارصادر، ۱۹۶۹م.
۲. ابن ترکه، صائبن الدین، *تمهید القواعد*، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۰ش.
۳. ابن ندیم، محمد، *الفهرست*، تهران، بی نا، ۱۳۵۰ش.
۴. اخوان الصفا، *رسائل اخوان الصفا و خلان الوفاء*، ج ۱، چ اول، بیروت، الدار الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۵. اشکوری، قطب الدین، *محبوب القلوب؛ تاریخ حکمای پیش از اسلام*، چ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۶. جابر بن حیان، *مختار رسائل جابر بن حیان*، به کوشش پل کراوس، قاهره، مکتبه الخانجی، ۱۳۵۴ق.
۷. جابری، محمد عابد، «الهرمسیه و المواقع التي احتلتها في الثقافه العربیة الاسلامیة»، *دراسات فلسفیة*، رباط، الهلال العربیة للطباعة و النشر، ۱۹۹۳م.
۸. حسینی، سید احمد، *فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی*، ج ۲۲، چ اول، قم، بی نا، ۱۳۷۳ش.
۹. دانش پزوه، محمد تقی و ایرج افشار، *فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی ملک*، ج ۵، چ اول، بی جا، نشر هنر، ۱۳۶۳ش.
۱۰. _____، *فهرست کتابخانه اهدایی آقای سعید مشکوة*، ج ۳، قسمت ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۲ش.
۱۱. _____، *فهرست میکرو فیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ش.
۱۲. _____، *نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران درباره نسخه های خطی*، ج ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۱ش.
۱۳. سایت کتابخانه ملی ایران: www.nlai.ir، ۱۳۸۸/۱۲/۲۰.
۱۴. سزگین، فواد، *تاریخ التراث العربی*، ترجمه عبدالله حجازی، ج ۴، چ دوم، قم، کتابخانه عمومی آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۱۲ق.

۱۵. سهروردی، شهاب‌الدین یحیی، *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*، ج ۱ و ۲، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰ ش.
۱۶. شهرزوری، شمس‌الدین محمد، *شرح حکمة الاشراق*، چ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲ ش.
۱۷. شیرازی، قطب‌الدین، *شرح حکمة الاشراق سهروردی*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ ش.
۱۸. صدرایی خویی، علی، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی*، ج ۳۶، چ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۱۹. عرب‌زاده، ابوالفضل، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه‌الله العظمی گلپایگانی*، ج ۱، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۸ ش.
۲۰. فاخوری، حنا و خلیل‌الجبر، *تاریخ فلسفه در جهان اسلامی*، ترجمه عبدالحمید آیتی، ج ۲، چ دوم، تهران، کتاب زمان، ۱۳۵۸ ش.
۲۱. فرک، تیموتی، و پیتر گندی، *هرمیتکا، حکمت مفقوده فرعونیان*، گزیده‌هایی از متون هرمسی، ترجمه فریدالدین رادمهر، چ اول، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۴ ش.
۲۲. فناری، محمد، *مصباح الانس*، چ اول، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۷۴ ش.
۲۳. قیصری رومی، محمد داوود، *شرح فصوص الحکم*، چ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.
۲۴. کرین، هانری، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ترجمه جواد طباطبایی، چ دوم، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۷ ش.
۲۵. کینگزلی، پیتر، *زوایای تاریخ حکمت*، ترجمه دل‌آراقهرمان و شراره معصومی، چ اول، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۳ ش.
۲۶. گادامر، هانس گئورک، *آغاز فلسفه*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، چ اول، تهران، انتشارات هرمس، ۱۳۸۲ ش.
۲۷. گاتری، ویلیام کیت چیمبرز، *تاریخ فلسفه یونان*، ترجمه مهدی قوام صفری، چ اول، تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۵ ش.

۲۸. مرعشی نجفی، محمود، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی، چ اول، قم، بی نا، ۱۳۸۰ ش.
۲۹. ملاصدرا، الحاشیه علی الهیات الشفاء، قم، انتشارات بیدار، بی تا.
۳۰. _____، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۵، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۹۸۱ م.
۳۱. _____، الشواهد الربوبیه، چ پنجم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸ ش.
۳۲. _____، رساله فی الحدوث (حدوث العالم)، چ اول، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۷۸ ش.
۳۳. منزوی، احمد، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۱۶، بی جا، بی نا، ۱۳۴۸ ش.
۳۴. _____، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۱۲، تهران، بی نا، ۱۳۴۶ ش.
۳۵. _____، فهرست نسخه‌های خطی مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، چ اول، تهران، بی نا، ۱۳۷۷ ش.
۳۶. _____، فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، چ اول، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۳۷. نجیب محمود، زکی، جابر بن حیان، چ دوم، بیروت، مؤسسه البلاغ، ۱۴۰۷ ق.
۳۸. نصر، سید حسین، جاودان خرد، ج ۱، چ اول، تهران، سروش، ۱۳۸۲ ش.
۳۹. هارت، جرج، اسطوره‌های مصری، ترجمه عباس مخبر، چ اول، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۴ ش.
۴۰. هروی، محمدشریف، انواریه، چ دوم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳ ش.
41. Mahe, Jean-Pierre, *Hermes Trismegistos*, Kristine Anderson: in the Encyclopedia of religion, New York, Macmillan Publishing Company, 1987, Vol.5.
42. Procope, John, *Hermetism*, in: Routledge Encyclopedia of philosophy, Edward Craig, London, Routledge, first published, 1998, Vol.4.
43. Van Den Broek, *Hermes Trismegistus I: Antiquity*: in Dictionary of Gnosis and Western Esotericism, wouter Hanegraaff, Netherlands, Brill Academic Publishers, Vol. 1, 2005.
44. Yates, Frances, *Hermeticism*, in: The Encyclopedia of Philosophy, Paul Edwards, New York, Macmillan publishing cd. 1967, Vol.3.